

نگاه

مصلحت جامعه، مصلحت مهم



سیدمحمدی موسوی‌شهری وکیل پایهیک دادگستری

جرم سیاسی: اصل ۱۶۸ قانون اساسی به جرم سیاسی اشاره کرده است. تعریف جرم سیاسی و تعیین معانیق آن به قوانین عادی و قوه مقننه واگذار شده‌است. اینکه جرمی را چه‌ا از ۱۳۵۷ جرم سیاسی هنوز تعریف نشده است. برای مثال صرفا به شکل بودن تعریف جرم سیاسی نسبت داد چراکه این توان نیست صرفا به شکل بودن تعریف جرم سیاسی نسبت داد چراکه برای اولین کشوری نیست که با تعریف جرم سیاسی روبرو شده است. عدم تعریف جرم سیاسی هم برای دولت‌ها ضرر دارد و هم برای مردم زیرا مردم نمی‌دانند حقوق و تکالیفشان چیست؟ از مزایای مجرمان سیاسی نمی‌توانند بهره‌مند شوند و مجازات عملکرد خود را هم نمی‌دانند. این سوئلیات را قبول کند؟

به هر حال هم دولت و هم نمایندگان مجلس و حتی قوقضاییه وظیفه پیشنه‌آوردن را دارند.از یکسو دولت بعنوان اینکه رییس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است و یکی از اصول سر زمین‌مانده قانون اساسی اصل ۱۶۸ است، بنابراین موظف است در قالب لایحه به مجلس بهر ماده ۱ مطرح تعریف جرم سیاسی که هم اکنون در مجلس است توجیه بفرماید. در ماده ۱ این طرح به مواردی مانندسلالت،جیمورت، مذهب رسمی و اصل ولایت‌مطلقهتقلیفه اشاره می‌کند. تعریف و تعیین معانیق جرم سیاسی به بار یا بستن‌بودن قضای سیاسی کشور ارتباط نداشته چراکه چنانچه جرمی باشد بدون استوار شدن بر موداسی جرم سیاسی دامنه کوچکتر و معانیق گسترش خواهد داشت و در چنین مواردی شکل‌های اجتماعی و سیاسی و - سواد مرتبط با چنین موضوعاتی نمی‌تواند جرم سیاسی تلقی شود.

حال این سوال مطرح می‌شود:اگر با معانیق جرایم سیاسی را افزایش دهیم به نفع متهمان است یا به ضرر آنها؟ پاسخ به این سوال از جهت گویاگون قبل بررسی است.اینکه ما هر گونه نقد و انتقاد نسبت به حاکمیت و ارکان سیاسی یک کشور را برای تحقق نقیض اصول مذهب و برخلاف قاعده ابرهمعرف و نهی‌ازسکر و قاعده کلکم راغ و کلکم مسوول است. زیرا همان‌طور که در قانون اساسی آمده است یکی از حقوق ملت در مقابل حکومت حق اعتراضی و عملکرد ناصحیح آنها به عبارت دقیق‌تر ابرهمعرف و نهی‌ازسکر است.کما اینکه همه احاد جامعه نسبت به عملکرد همین سوئلیات را دارند.

بنابراین اگر با بخواهیم صرف نقد و انتقاد و اعتراضی نسبت به حکومت

بنا کرده است. باید جرم‌هایی به صورتی تعریف شود که با یافته‌های جدید جرم‌شناسی، علوم جرایم و با یافته‌های جدید مربوط به حفظ منافع ملی سازگار باشد. یعنی این تو را با

همه تفلیق کرده و تعریف‌های گذشته از حقوق اساسی ملت گردیدم گرفته شده است. که چون گفته

دیده‌ای است.هیچ‌یک از اصول قانون اساسی بر اصول دیگر نباید برتری

و رجحان داشته‌باشد.

بنابراین اگر بخواهیم که به جامعه مدرن موثر،کارکنان نایل شوم

هیچ‌یک از اصول قانون اساسی را نباید فدای دیگر اصول کنیم. موقوف صرف عادی که مانده جرایم خواص سیاسی یا عادی را به هر شکل و تحت هر عنوان افزایش بدهیم صرف برخلاف قواعد و مقررات پذیرفته سیاسی و بشری است.

به اعتقاد اینجانب با توجه به عنوان قاعده ابرهمعرف و نهی‌ازسکر در قانون اساسی جمهوری اسلامی به پیش ازین گفته شده است.تبعات این حکومت، باید اجازه داد تا احاد ملت بتوانند عملکرد مفسدین حکومت را به چالش کشند. لذا فرض کنید هر دو دلیل نوع یا توجیه اعتراضی باشد و انتقاد نسبت با این مفسدین و مصادیق اعمال شده باشد. اینک در جرم سیاسی باید از جرایم کدام یک به مصلحت متهم جرم‌هاست و باید گفت: اگر جرم سیاسی تلقی شود از چنانی بهتر از جرم عادی است و از چنانی نامناسب‌تر. مثلاًاینکه متهم به جرم سیاسی با حضور هیات‌مصلحته عاری حکامه می‌شود.می‌تواند به عنوان مصلحت‌محیط حکومت تلقی شود.

و البته به جای هیات‌مصلحته نظامی توسط حکومت و قانون اساسی و یا هیات هیات‌مصلحته نظامی باشد. عملاً ازاین عارضی یا حسن‌نیت را در تخمین جرم می‌گیرند. در عبارت دیگر در چند مورد هیات‌مصلحته تصمیم می‌گیرد. در جرم عادی و این شرایط اگر با قیاسی و سوابق و جناح حاکم باشد، دست و قفسه بسته می‌شود. بنابراین تا زمانی که در انتخاب هیات‌مصلحته احاد ملت بدون وابستگی‌های جناحی وایست به حکومت توانمند اعمال نظر مستقیم داشته‌باشد، وایست‌های هیات‌مصلحته می‌تواند به ضرر اینها باشد و در چنین مواردی جرم سیاسی بر ضرر متهم است یا به مصلحت است یا نه. مثال دیگر برتری، فرض کنیم در قفسه دهم به جرم سیاسی می‌تواند تحت تعقیب قرار بگیرد چراکه این ویژگی ما را از ویژگی ما را از ماکمل مطلوب می‌داند.

اینیتی را خواهد گرفت. همچنین سنده فعالیت‌های علمی و اجتماعی و حتی اقتصادی چنین فردی نتوانستند این اتهام را می‌گرد. همین‌جست که اداره دارایی و سایر سازمان‌های دولتی جهت کشف یک قفسه مجرمانه سیاسی زندگی می‌خواهند. خواتی‌های اجتماعی و اقتصادی شخص را زیر زره بین می‌گذارند به زبان بسیار ساده هر فردی که اتهام جرم سیاسی تحت تعقیب قرار گیرد عملاً (نه در قانون) به ضرر وی خواهد بود. ممکن است گفته شود اگر جناح حاکم یا وابسته به حکومت، هیات‌مصلحته حق قضایی را در اختیار نداشته‌باشند یا علی بنود محاکم چه می‌کند؟ در این صورت افکار عمومی می‌تواند آنچه در دادگاه مربوط به اتهام را جرم سیاسی گفته است یا نقد یا به آن اعتراض کنند. برای پاسخ به این سوال کافی است گفت: ما به هیات‌مصلحته قضایی ادکی آشنایی داشته‌باشند. این اعتقاد اینکه هیات اینجانب باید در قانون مربوط به جرایم سیاسی، تریبیین اختصاص خود را احاد حضور. احاد حضور. تمام جناح‌ها در هیات‌مصلحته یا اطمنیضه و به‌طور ار هر گونه دغدغه وجود داشته باشد و باید معرفی افرادی از طرف احزاب و تشککل‌های گوناگون بهترین روش باشد. از طرف دیگر قضایی دادگاه‌های مربوط به اتهامات سیاسی به هیچ‌وجه نباید وابسته‌گشته یا جناحی به هیچکس از احزاب و تشککل‌های وابسته باشد و همچنین پیش‌بینی شود که جرم حاکم نتواند با نیروی همکر خود به دادگاه، تمام قضای دادگاه را بر کند. از طرف دیگر اجازه دهیم در دادگاه داشته‌باشند. در مطوعات و جراید چاپ یا به جرات خود اگر منظور از علی‌بنود محاکم سیاسی این دارد که به کدام بهر نهایی می‌تواند برای توسعه جرم‌های سیاسی در کشور، به عنوان امنیتی تلقی شود. این اقدامات را تاکنون به‌طور مباحثی مختلف خود را با طرح دفاعی خاص از خود خارج کند. باید اجازه دهند که آنچه در دادگاه گفته‌اند منتشر شود. در صورتی که اینها به‌طور مطلق و بدون استثنای فضا فی دادگاه در محن علی کشور از طریق مطوعات و سایر رسانه‌ها شنی است در غیر این صورت علی‌بنود، یک اعدا پیش نخواهد بود.

فرزاد و فرودهای

جرم سیاسی در ایران

البته شاید یکی از این دغدغه‌ها

این باشد که ممکن است دست

نظام در برخورد با جرایم امنیتی

و تروریستی بسته شود. البته این

دغدغه قابل قبولی نیست چون

هر گاه خشونت ایجاد شود یا در صورت

ارتکاب اعمال تروریستی، مرتکب

جرم سیاسی محسوب نمی‌شود.

۴ وظیفه تدوین جرم‌سیاسی

به هر حال هم دولت و هم

نمایندگان مجلس و حتی قوقضاییه

وظیفه پیشنه‌آوردن را دارند.از یکسو

دولت بعنوان اینکه رییس‌جمهور

مسئول اجرای قانون اساسی است

و یکی از اصول سر زمین‌مانده قانون

اساسی اصل ۱۶۸ است، بنابراین

موظف است در قالب لایحه به مجلس

بهر ماده ۱ مطرح تعریف جرم سیاسی

که هم اکنون در مجلس است

توجیه بفرماید. در ماده ۱ این طرح

به مواردی مانندسلالت،جیمورت،

مذهب رسمی و اصل ولایت‌مطلقهتقلیفه

اشاره می‌کند. تعریف و تعیین

معانیق جرم سیاسی به بار یا بستن‌بودن

قضای سیاسی کشور ارتباط

نداشته چراکه چنانچه جرمی باشد

بدون استوار شدن بر موداسی جرم

سیاسی دامنه کوچکتر و معانیق

گسترش خواهد داشت و در چنین

مواردی شکل‌های اجتماعی و سیاسی

و سواد مرتبط با چنین موضوعاتی

نمی‌تواند جرم سیاسی تلقی شود.

حال این سوال مطرح می‌شود:اگر با

معانیق جرم سیاسی را افزایش

دهیم به نفع متهمان است یا به ضرر

آنها؟ پاسخ به این سوال از جهت

گویاگون قبل بررسی است.اینکه ما

هر گونه نقد و انتقاد نسبت به حاکمیت

و ارکان سیاسی یک کشور را برای

تحقق نقیض اصول مذهب و برخلاف

قاعده ابرهمعرف و نهی‌ازسکر و قاعده

کلکم راغ و کلکم مسوول است.

زیرا همان‌طور که در قانون اساسی

آمده است یکی از حقوق ملت در

مقابل حکومت حق اعتراضی و

عملکرد ناصحیح آنها به عبارت دقیق‌تر

ابرهمعرف و نهی‌ازسکر است.کما

اینکه همه احاد جامعه نسبت به

عملکرد همین سوئلیات را دارند.

بنابراین اگر با بخواهیم صرف نقد

و انتقاد و اعتراضی نسبت به حکومت

بنا کرده است. باید جرم‌هایی به

صورتی تعریف شود که با یافته‌های

جدید جرم‌شناسی، علوم جرایم و با

یافته‌های جدید مربوط به حفظ

منافع ملی سازگار باشد. یعنی این

تو را با همه تفلیق کرده و تعریف‌های

گذشته از حقوق اساسی ملت گردیدم

گرفته شده است. که چون گفته

دیده‌ای است.هیچ‌یک از اصول قانون

اساسی بر اصول دیگر نباید برتری

و رجحان داشته‌باشد.

بنابراین اگر بخواهیم که به جامعه

مدرن موثر،کارکنان نایل شوم

هیچ‌یک از اصول قانون اساسی را

نباید فدای دیگر اصول کنیم.

موقوف صرف عادی که مانده جرایم

خواص سیاسی یا عادی را به هر

شکل و تحت هر عنوان افزایش

بدهیم صرف برخلاف قواعد و مقررات

پذیرفته سیاسی و بشری است.

به اعتقاد اینجانب با توجه به

عنوان قاعده ابرهمعرف و نهی‌ازسکر

در قانون اساسی جمهوری اسلامی

به پیش ازین گفته شده است.تبعات

این حکومت، باید اجازه داد تا

احاد ملت بتوانند عملکرد مفسدین

حکومت را به چالش کشند. لذا فرض

کنید هر دو دلیل نوع یا توجیه

اعتراضی باشد و انتقاد نسبت با

این مفسدین و مصادیق اعمال شده

باشد. اینک در جرم سیاسی باید از

جرایم کدام یک به مصلحت متهم

جرم‌هاست و باید گفت: اگر جرم

سیاسی تلقی شود از چنانی بهتر

از جرم عادی است و از چنانی

نامناسب‌تر. مثلاًاینکه متهم به

جرم سیاسی با حضور هیات‌مصلحته

عاری حکامه می‌شود.می‌تواند به

عنوان مصلحت‌محیط حکومت تلقی

شود.

و البته به جای هیات‌مصلحته نظامی

توسط حکومت و قانون اساسی

و یا هیات هیات‌مصلحته نظامی

باشد. عملاً ازاین عارضی یا حسن‌

نیت را در تخمین جرم می‌گیرند. در

عبارت دیگر در چند مورد هیات‌

مصلحته تصمیم می‌گیرد. در جرم

عادی و این شرایط اگر با قیاسی

و سوابق و جناح حاکم باشد، دست

و قفسه بسته می‌شود. بنابراین تا

زمانی که در انتخاب هیات‌مصلحته

احاد ملت بدون وابستگی‌های

جناحی وایست به حکومت توانمند

اعمال نظر مستقیم داشته‌باشد،

وایست‌های هیات‌مصلحته می‌تواند

به ضرر اینها باشد و در چنین

مواردی جرم سیاسی بر ضرر متهم

است یا به مصلحت است یا نه. مثال

دیگر برتری، فرض کنیم در قفسه

دهم به جرم سیاسی می‌تواند تحت

تعقیب قرار بگیرد چراکه این ویژگی

ما را از ویژگی ما را از ماکمل

مطلوب می‌داند.

اینیتی را خواهد گرفت.

همچنین سنده فعالیت‌های علمی

و اجتماعی چنین فردی نتوانستند

این اتهام را می‌گرد. همین‌جست

که اداره دارایی و سایر سازمان‌های

دولتی جهت کشف یک قفسه مجرمانه

سیاسی زندگی می‌خواهند. خواتی‌های

اجتماعی و اقتصادی شخص را زیر

زره بین می‌گذارند به زبان بسیار

ساده هر فردی که اتهام جرم

سیاسی تحت تعقیب قرار گیرد

عملاً (نه در قانون) به ضرر وی

خواهد بود. ممکن است گفته

شود اگر جناح حاکم یا وابسته به

حکومت، هیات‌مصلحته حق قضایی

را در اختیار نداشته‌باشند یا علی

بنود محاکم چه می‌کند؟ در این

صورت افکار عمومی می‌تواند آنچه

در دادگاه مربوط به اتهام را جرم

سیاسی گفته است یا نقد یا به آن

اعتراض کنند. برای پاسخ به

این سوال کافی است گفت: ما به

هیات‌مصلحته قضایی ادکی آشنایی

داشته‌باشند. این اعتقاد اینکه

هیات اینجانب باید در قانون

مربوط به جرایم سیاسی، تریبیین

اختصاص خود را احاد حضور.

احاد حضور. تمام جناح‌ها در

هیات‌مصلحته یا اطمنیضه و به‌طور

ار هر گونه دغدغه وجود داشته

باشد و باید معرفی افرادی از طرف

احزاب و تشککل‌های گوناگون بهترین

روش باشد. از طرف دیگر قضایی

دادگاه‌های مربوط به اتهامات

سیاسی به هیچ‌وجه نباید وابسته

گشته یا جناحی به هیچکس از احزاب

و تشککل‌های وابسته باشد و

همچنین پیش‌بینی شود که جرم

حاکم نتواند با نیروی همکر خود

به دادگاه، تمام قضای دادگاه را

بر کند. از طرف دیگر اجازه دهیم

در دادگاه داشته‌باشند. در

مطوعات و جراید چاپ یا به جرات

خود اگر منظور از علی‌بنود محاکم

سیاسی این دارد که به کدام

به هر نهایی می‌تواند برای توسعه

جرم‌های سیاسی در کشور، به

عنوان امنیتی تلقی شود. این

اقدامات را تاکنون به‌طور مباحثی

مختلف خود را با طرح دفاعی

خاص از خود خارج کند. باید

اجازه دهند که آنچه در دادگاه

گفته‌اند منتشر شود. در صورتی

که اینها به‌طور مطلق و بدون

استثنای فضا فی دادگاه در محن

علنی کشور از طریق مطوعات و

سایر رسانه‌ها شنی است در غیر

این صورت علی‌بنود، یک اعدا

پیش نخواهد بود.

نگاه

مصلحت جامعه، مصلحت مهم



سیدمحمدی موسوی‌شهری وکیل پایهیک دادگستری

جرم سیاسی: اصل ۱۶۸ قانون اساسی به جرم سیاسی اشاره کرده است. تعریف جرم سیاسی و تعیین معانیق آن به قوانین عادی و قوه مقننه واگذار شده‌است. اینکه جرمی را چه‌ا از ۱۳۵۷ جرم سیاسی هنوز تعریف نشده است. برای مثال صرفا به شکل بودن تعریف جرم سیاسی نسبت داد چراکه این توان نیست صرفا به شکل بودن تعریف جرم سیاسی نسبت داد چراکه برای اولین کشوری نیست که با تعریف جرم سیاسی روبرو شده است. عدم تعریف جرم سیاسی هم برای دولت‌ها ضرر دارد و هم برای مردم زیرا مردم نمی‌دانند حقوق و تکالیفشان چیست؟ از مزایای مجرمان سیاسی نمی‌توانند بهره‌مند شوند و مجازات عملکرد خود را هم نمی‌دانند. این سوئلیات را قبول کند؟

به هر حال هم دولت و هم نمایندگان مجلس و حتی قوقضاییه وظیفه پیشنه‌آوردن را دارند.از یکسو دولت بعنوان اینکه رییس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است و یکی از اصول سر زمین‌مانده قانون اساسی اصل ۱۶۸ است، بنابراین موظف است در قالب لایحه به مجلس بهر ماده ۱ مطرح تعریف جرم سیاسی که هم اکنون در مجلس است توجیه بفرماید. در ماده ۱ این طرح به مواردی مانندسلالت،جیمورت، مذهب رسمی و اصل ولایت‌مطلقهتقلیفه اشاره می‌کند. تعریف و تعیین معانیق جرم سیاسی به بار یا بستن‌بودن قضای سیاسی کشور ارتباط نداشته چراکه چنانچه جرمی باشد بدون استوار شدن بر موداسی جرم سیاسی دامنه کوچکتر و معانیق گسترش خواهد داشت و در چنین مواردی شکل‌های اجتماعی و سیاسی و - سواد مرتبط با چنین موضوعاتی نمی‌تواند جرم سیاسی تلقی شود.

حال این سوال مطرح می‌شود:اگر با معانیق جرایم سیاسی را افزایش دهیم به نفع متهمان است یا به ضرر آنها؟ پاسخ به این سوال از جهت گویاگون قبل بررسی است.اینکه ما هر گونه نقد و انتقاد نسبت به حاکمیت و ارکان سیاسی یک کشور را برای تحقق نقیض اصول مذهب و برخلاف قاعده ابرهمعرف و نهی‌ازسکر و قاعده کلکم راغ و کلکم مسوول است. زیرا همان‌طور که در قانون اساسی آمده است یکی از حقوق ملت در مقابل حکومت حق اعتراضی و عملکرد ناصحیح آنها به عبارت دقیق‌تر ابرهمعرف و نهی‌ازسکر است.کما اینکه همه احاد جامعه نسبت به عملکرد همین سوئلیات را دارند.

بنابراین اگر با بخواهیم صرف نقد و انتقاد و اعتراضی نسبت به حکومت

بنا کرده است. باید جرم‌هایی به صورتی تعریف شود که با یافته‌های

جدید جرم‌شناسی، علوم جرایم و با یافته‌های جدید مربوط به حفظ منافع

ملی سازگار باشد. یعنی این تو را با

همه تفلیق کرده و تعریف‌های گذشته

از حقوق اساسی ملت گردیدم گرفته شده است. که چون گفته

دیده‌ای است.هیچ‌یک از اصول قانون اساسی بر اصول دیگر نباید برتری

و رجحان داشته‌باشد.

بنابراین اگر بخواهیم که به جامعه مدرن موثر،کارکنان نایل شوم

هیچ‌یک از اصول قانون اساسی را نباید فدای دیگر اصول کنیم.

موقوف صرف عادی که مانده جرایم خواص سیاسی یا عادی را به

هر شکل و تحت هر عنوان افزایش بدهیم صرف برخلاف قواعد و مقررات

پذیرفته سیاسی و بشری است.

به اعتقاد اینجانب با توجه به عنوان قاعده ابرهمعرف و نهی‌ازسکر

در قانون اساسی جمهوری اسلامی به پیش ازین گفته شده است.تبعات

این حکومت، باید اجازه داد تا احاد ملت بتوانند عملکرد مفسدین حکومت